درمکتب امام

مقابله همیشگی انبیاء با حکومت‌های ظالم

از اولی که بساط انبیا بوده است تازمان رسول اکرم، تابعدهازمان ائمه(ع) مرتب مقابله کردند[با حکومت‌های جائر]. تو حبس هم [که] بودند مقابله کردند. موسی بن جعفر تو حبس هم مقابله می کرد. [...] معاویه یک سلطان بود در آن‌وقت؛ حضرت امام حسن بر خلافش قیام کرد در صورتی که آن وقت همه هم با آن مردک بیعت کرده بودند و سلطانش حساب می کردند.

صحیفه امام؛ ج۲؛ ص۳۷۱ | نجف؛ ۱ تیر ۱۳۵۰

در نامه آیت‌الله نوری همدانی به پاپ مطرح شد

اگر حضرت عیسی(ع) بودند آیا جنایات رژیم صهیونی را تحمل می کردند؟!

استاد برجسته درس خارج حوزه در نامه‌ای به پاپ خاطرنشان کرد: در این اوضاع هولناک غزه اگر انبیای الهی همچون حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) حضور داشتند آیا مشاهده این همه رنج و مصیبت را تحمل می‌کردند؟ یا صرفا نظاره‌گر این نوع رویدادهای خشن و غیرانسانی بودند و هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دادند؟

آیت‌الله نوری همدانی از مراجع تقلید در نامه‌ای به پاپ لئون چهاردهم رهبر کاتولیک‌های جهان درباره وضعیت اسفناک غزه که توسط سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان به وی تقدیم شد، تصریح کرد: در این اوضاع هولناک اگر انبیای الهی همچون حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) حضور داشتند آیا مشاهده این همه رنج و مصیبت را تحمل می‌کردند؟ یا صرفا نظاره‌گر این نوع رویدادهای خشن و غیرانسانی بودند و هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دادند؟ امید است جناب‌عالی و دیگر رهبران دینی در پیشگیری از این نوع جنایات ضد بشری توسط رژیم صهیونیستی اقدامات مؤثر و نقش‌آفرین انجام دهند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، متن کامل این نامه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

عالیجناب پاپ لئون چهاردهم؛

رهبر کاتولیک‌های جهان

با سلام و احترام

همان‌گونه که استحضار دارید، کرامت انسانی به معنای شرافت، بزرگی و ارزش ذاتی انسان، یکی از مفاهیم بنیادین در ادیان الهی است. ادیان ابراهیمی جملگی بر جایگاه والای انسان تاکید ورزیده‌اند و انسان را موجودی دارای ارزش ذاتی و ظرفیت‌های روحانی می‌دانند که به صورت خاصی از سوی خداوند آفریده شده است. همه ادیان الهی اصل برابری، آزادی، مسئولیت‌پذیری و حقوق انسانی را تایید نموده و تبعیض نژادی، قومی و طبقاتی را شدیدا نفی می‌کنند.

بدیهی است ادیان الهی، با وجود تفاوت‌های اعتقادی، در تاکید بر کرامت ذاتی انسان مشترکند. این کرامت نه‌تنها بنیان حقوق انسانی است، بلکه زمینه‌ساز تعامل اخلاقی و انسانی میان پیروان ادیان مختلف می‌باشد. در جهانی که خشونت و تبعیض رو به افزایش است، بازگشت به این اصل مشترک می‌تواند راهی مطلوب برای همزیستی مسالمت‌آمیز و تفاهم میان ادیان باشد.

همان‌گونه که می‌دانید غزه، سرزمین محاصره‌شده‌ای است که امروز به نماد مظلومیت انسان در برابر ظلم و بی‌عدالتی بدل شده است. در حالی که جهان شاهد مرگ روزانه کودکان، زنان و مردان بی‌گناه بر اثر گرسنگی، تشنگی و کمبود دارو است، رژیم صهیونیستی با ادامه محاصره کامل غزه و منع ورود غذا و کمک‌های بشردوستانه، فاجعه‌ای بی‌سابقه در تاریخ معاصر رقم زده است. این رفتار نه‌تنها از منظر انسانی، بلکه از نگاه دینی، اخلاقی و حقوق بین‌المللی کاملاً مردود و محکوم است.

اسلام دین رحمت و انسان‌دوستی است و آزار رساندن به بی‌گناهان، به‌ویژه کودکان و زنان، شدیداً نکوهش شده است. در تعالیم مسیح نیز کمک به گرسنگان و نیازمندان یک وظیفه الهی است. در تورات نیز بر عدالت و مهربانی با دیگران تأکید فراوان شده است. از منظر ادیان الهی، محروم کردن مردم از غذا، ظلمی فاحش در برابر خواست الهی است.

از منظر اخلاق انسانی و وجدان بیدار هم محاصره صدها هزار نفر بیگناه از جمله زنان و کودکان و اعمال فشار و هجوم ددمنشانه بر آنان و جلوگیری از رسیدن غذا و دارو به ایشان، خطایی نابخشودنی است.

اخلاق انسانی بر پایه کرامت ذاتی انسان بنا شده است. هر انسان بی‌گناهی، صرف‌نظر از ملیت، دین یا نژاد، سزاوار زندگی شرافتمندانه است. محروم‌سازی عامدانه یک جمعیت از غذا، آب و دارو، جنایتی علیه وجدان بشر و نافی اصول بنیادین همزیستی انسانی است. رفتار رژیم صهیونیستی با مردم غزه نه تنها غیراخلاقی و غیرانسانی، بلکه بر اساس اسناد معتبر حقوق بین‌الملل جنایت جنگی محسوب می‌شود.

رفتار ظالمانه و غیرانسانی رژیم صهیونیستی در ممانعت از ورود غذا و اقلام حیاتی به مردم غزه، نقض صریح اصول دینی، انسانی، اخلاقی و حقوق بین‌الملل است. این اقدام نه‌تنها شایسته محکومیت جهانی است، بلکه مستحق پیگرد و مجازات بین‌المللی نیز می‌باشد. اکنون وظیفه همه انسان‌های آزاده، سازمان‌های حقوق بشر، نهادهای دینی و ملت‌های جهان است که در برابر این جنایت خاموش نباشند و صدای مظلومان غزه باشند.

اینجانب مواضع جناب عالی در مسئله فلسطین را تحسین می‌کنم که در خطابه اخیر، نگرانی خود را از وضعیت فاجعه‌بار انسانی مردم غزه ابراز نموده‌اید و آن را وضعیتی دانسته‌اید که بهای دردناک آن به‌ویژه بر دوش کودکان، سالمندان و بیماران است.

از سوی دیگر از جامعه بین‌المللی درخواست کرده‌اید که به حقوق بشردوستانه پایبند باشد و به وظیفه حفاظت از غیرنظامیان، ممنوعیت مجازات جمعی، استفاده بی‌رویه از زور و جابه‌جایی اجباری جمعیت احترام بگذارد.

عالیجناب

اکنون آنچه در غزه در حال وقوع است قطعا با هیچ یک از موازین دینی، انسانی و اخلاقی قابل تصور نیست. هر روز ده‌ها کودک به خاطر قحطی و گرسنگی جانشان را از دست می‌دهند و یک نسل‌کشی آشکار است و دل هر انسان آزاده‌ای را جریحه‌دار می‌سازد. در این اوضاع هولناک اگر انبیای الهی همچون حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) حضور داشتند آیا مشاهده این همه رنج و مصیبت را تحمل می‌کردند؟ یا صرفا نظاره‌گر این نوع رویدادهای خشن و غیرانسانی بودند و هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دادند؟

امید است جناب‌عالی و دیگر رهبران دینی در پیشگیری از این نوع جنایات ضد بشری توسط رژیم صهیونیستی اقدامات مؤثر و نقش‌آفرین انجام دهند.

عالیجناب

در پایان پیشنهاد می‌کنم، ادیان ابراهیمی ضمن محکومیت سوءاستفاده ابزاری از دین برای خلق فجایع پیش گفته (تداوم ۸۰ سال جنایت به بهانه تشکیل دولت یهودی توسط صهیونیست‌های جنایتکار) ذیل چارچوبی هوشمند و جهانی، تمام ظرفیت خویش را برای ممنوعیت و محکومیت به‌کارگیری زور و خشونت از یک‌سو و نضج صلح و انسانیت از سوی دیگر به‌کار بندند.

حوزه علمیه مقدسه قم - حسین نوری همدانی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

مکانیسم ماشه با مرگ برجام باطل شد فریب اروپا را نخورید

سرویس سیاسی-

در سال پایانی برجام و در حالی که بانیان آن وعده لغو تحریم‌ها و دور شدن سایه جنگ را می‌دادند، امروز تحریم‌ها چند برابر شده و جنگ بدون حتی یک قطعنامه شورای امنیت به ایران تحمیل شده است. اروپا که خود ناقض برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ است، حالا با ژست طلبکارانه و تهدید پوچ مکانیسم ماشه می‌کوشد از آخرین ترکش سوخته این توافق، برای فشار روانی استفاده کند؛ اما این تهدید پوشالی در برابر ایران مقتدر امروز، چیزی جز صدای خالی یک سلاح زنگ‌زده نیست.

ده سال از امضای توافقی می‌گذرد که بانیانش آن را «فتح‌الفتوح» دیپلماسی و راه نجات از تحریم و جنگ معرفی می‌کردند؛ توافقی که با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تزئین شد تا به قول همان بانیان، سایه جنگ را از سر کشور بردارد و تمام قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را که بهانه فشارهای غرب بود، تعلیق کند.

امروز، در مرداد ۱۴۰۴ و در حالی که به پایان دهمین سال برجام نزدیک می‌شویم، تصویر واقعی پیش روی ملت ایران چیزی جز تحریم‌های چند برابر دوران قطعنامه ۱۹۲۹ و جنگی تحمیلی نیست که در خرداد ۱۴۰۴ بدون حتی یک قطعنامه شورای امنیت علیه ایران آغاز شد. این واقعیت به تنهائی کافی است تا پوچی تبلیغات پر سر و صدای بانیان برجام و حامیان اروپایی‌شان را نشان دهد و هر انسان منصفی را به این نتیجه برساند که مکانیسم ماشه، به‌عنوان آخرین ترکش برجام، هیچ دستاورد تازه‌ای برای دشمنان ایران نخواهد داشت و اساساً کارایی و توانایی ویژه‌تری نسبت به تحریم‌های کنونی ندارد.

دیپلماسی از سر تعهد، نه خوش‌بینی

روز جمعه ۳ مرداد ۱۴۰۴، دور تازه‌ای از گفت‌وگو میان ایران و سه کشور اروپایی عضو برجام (انگلیس، فرانسه و آلمان) در سرکنسولگری ایران در استانبول برگزار شد. حضور ایران در این نشست، برخلاف تصور خوش‌بینانه جریان غرب‌گرا، نه از سر اعتماد به اروپا و نه به دلیل امید به گشایش اقتصادی، بلکه صرفاً به دلیل پایبندی به مسیر دیپلماسی در عرصه بین‌المللی بود. این پایبندی در شرایطی صورت گرفت که طرف‌های اروپایی در یک دهه گذشته بارها با بی‌تعهدی، بدعهدی و اقدامات خصمانه، عملاً نشان دادند نه تنها اراده‌ای برای پایبندی به توافقات ندارند، بلکه خود را به‌طور کامل در خدمت سیاست‌های خصمانه آمریکا و اسرائیل تعریف کرده‌اند.

این نشست در حالی برگزار شد که هیچ‌یک از طرف‌های اروپایی نتوانستند پاسخ روشنی به این پرسش ساده بدهند که اصلاً نقش و جایگاه آن‌ها در نظام بین‌الملل چیست؟ کشورهایی که به قول بسیاری از تحلیلگران، حتی در تعیین سرنوشت خود در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نقشی ندارند، چگونه می‌توانند مدعی تأثیرگذاری بر تحولات هسته‌ای ایران باشند؟

برجام؛ ده سال بی‌دستاورد و مرگ مغزی

برجام در سه سال نخست حیاتش حتی کوچک‌ترین دستاورد ملموسی برای ملت ایران به همراه نداشت و در هفت سال بعدی نیز با خروج آمریکا از این توافق، در وضعیت مرگ مغزی قرار گرفت. اروپا که در این سال‌ها حتی به ابتدائی‌ترین تعهدات خود عمل نکرده و با وقاحتی آشکار از همه وظایف خود شانه خالی کرده بود، اکنون در حالی با ژست طلبکارانه ایران را تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه می‌کند که خود به همراه آمریکا ناقض اصلی برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ هستند.

طبق قطعنامه ۲۲۳۱، قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت تعلیق شده است و بانیان برجام، از جمله حامیان داخلی‌شان، همین قطعنامه را دلیل اصلی خروج ایران از انزوای تحریمی معرفی می‌کردند. اما امروز، در سال ۱۴۰۴، در حالی که هیچ قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه ایران وجود ندارد، تحریم‌های اقتصادی چند برابر دوران اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ است و جنگی گسترده بدون هیچ مجوز بین‌المللی به کشور تحمیل شد. این یعنی مکانیسم ماشه اگر هم فعال شود، در عمل هیچ توانایی ویژه‌ای ندارد؛ چرا که تحریم‌ها در بیشترین حد ممکن اعمال شده و جنگ نیز بدون قطعنامه تحمیل گردید.

این واقعیت به روشنی نشان می‌دهد که تمام تبلیغات جریان غرب‌گرا درباره «ترس از بازگشت قطعنامه‌ها» یک عملیات روانی برای توجیه وادادگی در برابر دشمن بوده و هست. بانیان برجام سال‌ها افکار عمومی را با این گزاره فریب دادند که «اگر توافق نباشد، پرونده ایران دوباره به شورای امنیت بازمی‌گردد و قطعنامه‌های تحریمی احیا می‌شود»؛ اما امروز، با گذشت یک دهه از آن توافق پرهیاهو، مشخص شد که حتی بدون بازگشت قطعنامه‌ها، بدترین و شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه ایران اعمال شده و حتی جنگی همه‌جانبه نیز بدون نیاز به هیچ مجوزی از شورای امنیت آغاز شد.

در واقع، غربی‌ها به‌ویژه آمریکا و اروپا، حتی نیازی به بازگرداندن قطعنامه‌ها نمی‌بینند. آن‌ها از مسیر تحریم‌های ثانویه و فشارهای اقتصادی فراقطعنامه‌ای، به مراتب بیش از قطعنامه‌های رسمی سازمان ملل توانسته‌اند ایران را هدف قرار دهند. اکنون، وقتی تحریم‌ها به حداکثر ظرفیت ممکن رسیده و دشمن حتی وارد فاز نظامی مستقیم شده است، تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه چیزی جز یک نمایش توخالی برای فشار روانی و سیاسی نیست.

فراموش نکنیم که قطعنامه ۱۹۲۹ که در تبلیغات جریان غرب‌گرا به عنوان «هیولای جنگ‌آفرین» معرفی می‌شد، در مقایسه با تحریم‌های حداکثری که در سال‌های اخیر با همکاری مستقیم اروپا و آمریکا بر ایران تحمیل شده، یک تهدید کودکانه به نظر می‌رسد. در آن دوران حتی فروش نفت و انجام برخی مبادلات بانکی برای ایران امکان‌پذیر بود و فروش نفت ایران در سالیان پایانی دولت دهم هیچ‌گاه به رقمی کمتر از یک میلیون بشکه نرسید؛ اما امروز با وجود تعلیق رسمی همان قطعنامه‌ها، ایران با بسته‌ترین و خصمانه‌ترین شرایط مالی و اقتصادی روبه‌روست.

این تناقض آشکار، سند ورشکستگی استدلال برجامی‌هاست: آن‌ها سال‌ها ادعا کردند که برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ راه جلوگیری از جنگ و تحریم است، اما در عمل کشور را به نقطه‌ای راندند که هم جنگ تحمیل شد و هم تحریم‌ها به بدترین شکل ممکن اعمال گردید، آن هم بدون هیچ تصمیم‌گیری در شورای امنیت.

وقتی اروپا حق استفاده از مکانیسم ماشه را ندارد

نکته جالب و کمتر گفته‌شده این است که حتی بر اساس قواعد حقوقی برجام، اروپا اساساً حق استفاده از مکانیسم ماشه را ندارد. «میخائیل اولیانوف»، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین، به صراحت تأکید کرده است که تروئیکای اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) به دلیل نقض مکرر تعهدات خود و پیروی کورکورانه از سیاست‌های آمریکا، حق استفاده از این بند را از دست داده‌اند. به گفته اولیانوف، خروج یکجانبه آمریکا از برجام و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ توسط اروپا به‌طور کامل مشروعیت هرگونه اقدام از این مسیر را از آنان گرفته است.

بنابراین، تهدید اروپا به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، بیشتر یک عملیات روانی و جنگ تبلیغاتی است تا یک ابزار حقوقی واقعی. اروپایی‌ها به خوبی می‌دانند که این مکانیسم نه پشتوانه حقوقی دارد و نه توانایی عملی برای تغییر شرایط کنونی.

اروپا در پی عملیات روانی، نه اجرای قانون

اروپا در حالی همه تمرکز خود را روی تهدید مکانیسم ماشه گذاشته که از پاسخ‌گویی به اصلی‌ترین پرسش‌ها درباره بی‌تعهدی خود فرار می‌کند. سه کشور اروپایی نه تنها هیچ‌گاه مسئولیت نقض تعهدات برجامی خود را نپذیرفته‌اند، بلکه در طول این سال‌ها با بی‌تفاوتی آشکار نسبت به خروج آمریکا از برجام، در عمل شریک جرم واشنگتن در تحریم‌های حداکثری علیه ایران بوده‌اند. حال همین کشورها، به‌جای پاسخ‌گویی به این پرسش که چرا حتی یک تعهد اقتصادی خود را اجرا نکرده‌اند، ایران را به استفاده از آخرین ترکش برجام تهدید می‌کنند.

طبق گزارش رویترز، سه کشور اروپایی در دیدار استانبول قرار است پیشنهاد تمدید شش‌ماهه مهلت مکانیسم ماشه را مطرح کنند و در مقابل، خواستار ورود مستقیم ایران به مذاکرات با واشنگتن، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ارائه گزارش‌های دقیق درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده شوند. این یعنی اروپا همچنان می‌خواهد از مکانیسم ماشه به‌عنوان ابزار فشار روانی برای باج‌گیری استفاده کند.

در همین زمینه خبرنگار وال استریت ژورنال درباره گفت‌وگوهای امروز سه کشور اروپایی با ایران مدعی شد: تا همین دیروز، دیپلمات‌های اروپایی احساس می‌کردند که ایران علاقه‌ای به هیچ‌گونه تمدید [اسنپ بک] ندارد، اما امروز به نظر می‌رسد که این موضع تغییر کرده یک تغییر جزئی در موضع ایران دیده می‌شود تصمیم درباره تمدید تا پایان ماه اوت (آگوست)، با وجود تمام پیچیدگی‌ها، ممکن است به یک احتمال واقعی تبدیل شود

فارن افرز: با جنگ نتوانستیم ایران را مهار کنیم راه مهار مذاکره است

کیهان پیشتر نیز با استناد به گزارش تحلیلی مجله آمریکایی فارن افرز تأکید کرده بود که آمریکا و اسرائیل آنچه را در میدان جنگ نتوانستند به دست بیاورند، می‌خواهند از طریق میز مذاکره محقق کنند. همین حقیقت امروز در رفتار اروپا عریان‌تر از همیشه دیده می‌شود. تلاش مسخره اروپایی‌ها برای بازگرداندن جاسوسان آژانس به تاسیسات هسته‌ای ایران و اصرار برای اطلاع‌یابی از ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران، چیزی جز زمینه‌سازی برای حمله مجدد به این تاسیسات نیست.

تجربه حملات به سایت‌های هسته‌ای ایران و ترور دانشمندان هسته‌ای کشورمان نشان داده است که هر اطلاعاتی که به آژانس داده شود، در کمتر از چند هفته در اختیار موساد و سیا قرار می‌گیرد. بنابراین، پذیرفتن چنین خواسته‌ای از سوی اروپا که حتی در استفاده از مکانیسم ماشه مشروعیت ندارد، خطایی راهبردی و جبران‌ناپذیر خواهد بود.

همین تجربه‌های تلخ سال‌های گذشته باید برای هر مذاکره‌کننده‌ای درس عبرت باشد. آن‌ها که امروز با پررویی خواستار بازگشت بازرسان آژانس و ارائه گزارش‌های محرمانه از ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران هستند، همان‌هایی‌اند که دیروز با استناد به همین اطلاعات، عملیات‌های ترور و خرابکاری و در نهایت حمله به تاسیسات هسته‌ای کشورمان را طراحی کردند. آیا کسی هنوز تردید دارد که ترور شهیدان فخری‌زاده و شهریاری و خرابکاری‌های پیشین در نطنز، بدون گراهایی که آژانس در اختیار دشمن گذاشت، امکان‌پذیر بود؟

اروپا و آمریکا امروز دقیقاً همان هدفی را دنبال می‌کنند که فارن‌افرز چندی پیش به آن اشاره کرده بود: تکمیل پروژه شکست‌خورده جنگ از مسیر میز مذاکره. وقتی بمب‌هایشان نتوانست اراده ملت ایران را در هم بشکند، حالا می‌خواهند با حربه‌های دیپلماتیک و باج‌خواهی‌های به‌ظاهر حقوقی، همان اهداف را پیش ببرند. اما واقعیت این است که تن دادن به چنین خواسته‌هایی چیزی جز زمینه‌سازی ناخواسته برای دشمن در طراحی حملات بعدی نیست.

تقلای گستاخانه اروپا برای کسب اطلاعات از میزان و محل نگهداری اورانیوم ۶۰ درصدی ایران، در حالی انجام می‌شود که همین کشورها نه تنها در قبال خروج آمریکا از برجام هیچ واکنشی نشان ندادند، بلکه در برابر تهاجم و جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، سکوتی معنادار و همراه با رضایت داشتند.

این کشورها امروز همان خطای محاسباتی گذشته را تکرار می‌کنند و گمان می‌برند که ایران بار دیگر در تله فریب‌کاری دیپلماتیک آن‌ها گرفتار خواهد شد.

در این میان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز جمعه اظهار داشت که ایران برای گفت‌وگوهای فنی در سطح کارشناسی بر سر برنامه هسته‌ای خود ابراز آمادگی کرده، اما بازرسان این سازمان فعلا به ایران بازنمی‌گردند.

رافائل گروسی در وین،گفت آژانس دیگر گزارشی از برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران ندارد.

گروسی همچنین خبر داد که مذاکرات احتمالی پیش رو میان آژانس با ایران «فعلا شامل بازگشت و تجدید کار بازرسان نخواهد بود».

مدیرکل آژانس با وقاحتی تمام، با چشم پوشی از عملکرد خصمانه خود در قبال ایران روز جمعه بار دیگر تأکید کرد که ایران باید در مورد تأسیسات خود شفاف‌سازی کند.

مکانیسم ماشه؛ اسلحه بی‌فشنگ

واقعیت این است که امروز، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در شدیدترین سطح ممکن اعمال شده است و دیگر جایی برای اضافه شدن تحریم جدید از مسیر شورای امنیت باقی نمانده است. از سوی دیگر، جنگی که حامیان برجام از آن به عنوان «سایه شوم قطعنامه‌ها» یاد می‌کردند، بدون هیچ مجوز بین‌المللی و صرفاً با دستور واشنگتن و تل‌آویو به ایران تحمیل شد.

جدای از جنگ تحمیلی اخیر حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بدون هیچ قطعنامه شورای امنیت و پس از عقب‌نشینی‌های رژیم صدام در برابر خواسته‌های غرب و آمریکا صورت پذیرفت.

بنابراین، تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه بیشتر شبیه تکان دادن اسلحه‌ای بی‌فشنگ است؛ اسلحه‌ای که دیگر هیچ ترسی ایجاد نمی‌کند و حتی اگر ماشه‌اش هم کشیده شود، شلیک نخواهد کرد.

فریب اروپا را نخورید

تجربه ده سال گذشته برای ملت ایران و دستگاه دیپلماسی کشور یک درس روشن دارد: اعتماد به اروپا و ابزارهای روانی‌اش فریب بزرگی است. مکانیسم ماشه، حتی اگر از نظر حقوقی فعال شود، هیچ اثر عملی تازه‌ای ندارد. در عوض، هرگونه تن دادن به خواسته‌های گستاخانه اروپا، از جمله همکاری کامل با آژانس، اطلاع دادن از ذخایر اورانیوم با غنای ۶۰ درصد و ورود به مذاکره مستقیم با آمریکا، فقط به دشمنان ایران برای تدارک حملات بعدی کمک خواهد کرد.

دیپلماسی واقعی، ادامه مسیر عزتمندانه فعلی است؛ مسیری که بر اساس درک واقعیت‌های قدرت در جهان بنا شده است. جمهوری اسلامی ایران باید همان‌گونه که تاکنون ایستاده، بر استقلال و قدرت ملی خود تکیه کند و اجازه ندهد که ابزار بی‌اثر اروپایی‌ها بهانه‌ای برای فشار جدید یا تسلیم‌طلبی تازه شود.

اروپا امروز بیش از هر زمان دیگری اسیر بحران مشروعیت و بی‌اعتباری بین‌المللی است. کشورهایی که حتی در تأمین امنیت انرژی و اقتصاد خود محتاج آمریکا هستند، چگونه می‌توانند مدعی تعیین تکلیف برای کشوری مستقل و قدرتمند همچون ایران باشند؟ واقعیت این است که تهدید اروپا به مکانیسم ماشه، اعترافی آشکار به بن‌بست دیپلماتیک و درماندگی سیاسی این کشورهاست؛ چراکه اگر قدرت واقعی داشتند، نیازی به جنگ روانی و فضاسازی رسانه‌ای نداشتند.

غربی‌ها سال‌هاست در میدان واقعی با ایران شکست خورده‌اند و حالا تنها سلاحشان، بازی با کلمات و تهدیدهای توخالی است. این تهدیدها برای ملتی که زیر بار جنگ اقتصادی، ترور علمی و تجاوز نظامی ایستاده و پیروز شده، نه تنها ترس‌آور نیست، بلکه انگیزه‌ای برای پیشرفت بیشتر و تکیه بر توان داخلی ایجاد می‌کند.

هم تحریم را امتحان کردید و هم جنگ را، نه تحریم بیشتر شما ایران را می‌ترساند، نه تهدید به جنگ. مکانیسم ماشه‌تان را هر وقت خواستید بکشید؛ این ماشه فشنگ ندارد.

قالیباف:

هم مرد میدانِ مقاومت هم اهل گفت‌وگو و منطق هستیم

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: ما هم مرد میدان مقاومت و عمل و هم مرد میدان منطق و گفت‌وگو هستیم؛ اینها لازم و ملزوم هم هستند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم گرامیداشت اربعین شهدای اقتدار نیروی هوافضای سپاه که صبح پنجشنبه ۲ مردادماه با حضور جمعی از مقامات لشکری و کشوری در مجتمع فرهنگی آموزشی امام رضا(ع) برگزار شد، اظهار داشت: این جلسه به منظور روایت اقتدار، شهادت، ایستادگی و مقاومت و مراسم امروز به منظور دقت است تا ما مسیر را بهتر بشناسیم و محکم‌تر حرکت کنیم؛ این وظیفه ما است. برگزاری مجلس بزرگداشت یاد و نام شهدا برای این باورها بوده است.

وی در ادامه خطاب به رزمندگان نیروی هوافضای سپاه گفت: به یکایک شما عزیزان و همسنگران هوافضا افتخار می‌کنم. هیچ‌کس در تداوم راه شهدا مقدم‌تر از شما نیست که این پرچم را پیش ببرد.

قالیباف سپس با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه عنوان کرد: دشمن مثل همیشه در محاسبات خود و شناخت ملت شریف ایران اشتباه کرد. او به اشتباه تصور می‌کرد که شهادت سرداران، رزمندگان، شهید حاجی‌زاده عزیز و دیگر شهدا نقطه پایان اقتدار ما است و شاید خیلی‌های دیگر نیز همین را فکر می‌کردند.

وی با بیان اینکه دشمن هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد که ما بدون این سرداران بتوانیم ۱۲ روز عظمت و باشکوه را رقم بزنیم، افزود: رزمندگان ما به فرماندهی فرمانده معظم کل قوا و یاری شهدا این روزهای تاریخی را رقم زدند.

رئیس مجلس شورای اسلامی با طرح این سؤال که چرا دشمنان قسم‌خورده کشورمان که شامل انگلیس پلید، آمریکای جنایتکار و سگ هار آنها در منطقه یعنی رژیم صهیونیستی هستند به ملت ایران و سرزمین ایران حمله کردند و نسبت به نظام و انقلاب اسلامی کینه دیرینه دارند، اذعان داشت: دشمنان ما با ایران یکپارچه، قوی و بزرگ مخالف هستند.

قالیباف با بیان اینکه دشمنان از ۳۰۰ سال قبل با توطئه‌های مختلف و به واسطه ضعیف بودن حکومت‌ها بخشی از کشورمان را جدا کردند، خاطرنشان کرد: آخرین سرزمینی که از کشور ما جدا شد، بحرین بوده است.

جوهره و اساس قدرت ما، قلب یکایک مردم است

وی با بیان اینکه آمریکایی و غربی‌ها به دلیل اقتدار و نظام سیاسی ایران که برخاسته از بطن مردم است، عصبانی هستند، متذکر شد: شهدای عزیز هوافضای سپاه برخاسته از مردم، با مردم و برای مردم هستند که دفاع و ایستادگی کردند. دشمنان با باور ایران اسلامی مخالفند؛ لذا از هیچ توطئه‌ای علیه ایران اسلامی دست نکشیدند تا اجازه رشد به ملت ایران ندهند. من بارها در مراسم‌ها و سالگردهای مختلف و همچنین در دهمین سالگرد شهید تهرانی‌مقدم گفته‌ام که ما به این موشک‌ها و قدرتمان افتخار می‌کنیم، همان روز به شما گفتم جوهره و اساس قدرت ما این موشک‌ها نیست بلکه اساس قدرت ما قلب یکایک مردم ما است و دیدیم قلبی که در اختیار خدا است، خدا آن را یک شبه متحول می‌کند چرا که او مقلب‌القلوب است، دیدید که در آن شب قلب‌های مردم چگونه همراه با موشک‌های شما شد و چه اثر اصیلی را از قدرت برجای گذاشت.

رئیس قوه مقننه افزود: بعد از وعده صادق ۲ شهید حاجی‌زاده گفت دعا کن که خدا فقط چند ماه دیگر به من فرصت بدهد و خواهید دید این ظرفیت و این کار در چند ماه به اندازه چند دهه رشد خواهد کرد؛ این ثمره ۱۲ روز مجاهدت است که ۱۲ روز نصر و شکوه آفریدید. هرگز فراموش و غفلت نکنیم که باید با قدرت این مسیر را ادامه دهیم لذا اینجاست که حضرت آقا در این حوادث اخیر درباره این جنگ می‌فرمایند که نه زیر بار جنگ تحمیلی می‌رویم و نه زیر بار صلح تحمیلی؛ ما هم مرد میدان مقاومت و عمل هستیم و هم مرد میدان منطق و گفت‌وگو و اینها لازم و ملزوم هم هستند.

قالیباف با بیان اینکه ما با قدرت این مسیر را پیش خواهیم برد، بیان کرد: این مسیر و این راه باید برای اقتصاد، فرهنگ، سیاست و برای حوزه فناوری و علم ما هم باشد، این نمونه به تمام معنا در سازمان هوافضا خود را نشان داده است. امیدواریم به فضل الهی این عطیه الهی که در نتیجه وحدت و انسجام در کشور ایجاد شده را به صورت امانت الهی بدانیم و آن را محکم حفظ کنیم و از این فرصت‌ها استفاده کنیم و بتوانیم ضعف‌های اقتصادی، فرهنگی را برطرف کنیم و در بخش‌های مختلف مانند حوزه دفاعی و امنیتی با رشد پرسرعت‌تر پیش رویم. اگر این کار را کردیم که در مجلس ذکر یاد و نام شهدا و در محضر خدا، شهدا و با حضور خانواده شهدا انجام وظیفه کردیم و دینمان را عمل کردیم و مدیون این شهدای عزیز نیستیم و این وعده الهی است و «و أخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین».

خطیب جمعه تهران:

ملت ایران باشکوه‌ترین وحدت ملی و انسجام اجتماعی را خلق کرد

امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه ملت ایران باشکوه‌ترین وحدت ملی و انسجام اجتماعی را خلق کرد، گفت: امروز جهان از ملت، رهبر و نیروهای مسلحی که در مقابل دو قدرت اتمی زیاده‌خواه با اقتدار ایستادند و ناامیدشان کردند، تجلیل می‌کند.

عکس: محمدعلی شیخ‌زاده

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدحسن ابوترابی فرد، در خطبه‌های نماز جمعه تهران خاطرنشان کرد: مردم بزرگ، غیور و شریف غزه، مردانی که با قامتی بلند در برابر ایالات متحده و رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند، شاگردان مکتب عاشورا هستند.

امام جمعه موقت تهران اظهار داشت: تراژدی بزرگ غزه، فاجعه غیرقابل توصیف امروز این قطعه از جان و روح و حیات جامعه اسلامی، در شرایطی رخ می‌دهد که شاهد سکوت و بی‌تفاوتی مرگبار کشورها، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی هستیم.

وی گفت: مردان، زنان و کودکان گرسنه و تشنه غزه، در جست‌وجوی غذا، با حضور در صف‌های بدون پایان در حملات وحشیانه صهیونیست‌ها جان خود را از دست می‌دهند. بحران گرسنگی که در غزه با مشارکت ایالات متحده به‌وجود آمده است، فجیع‌ترین فاجعه انسانی تاریخ معاصر را رقم زده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی‌فرد، بیان داشت: غرب در دوازده روز به این نتیجه رسید که محاسباتش غلط است و باید جنگ با ایران را متوقف کند. این تصمیم و پیشنهاد در زمانی اتفاق افتاد که ناتو تمام‌قد در کنار رژیم صهیونیستی، پشتیبان این عملیات تجاوزکارانه بود.

امام جمعه موقت تهران گفت: جنگ دوازده روزه بار دیگر این حقیقت را روشن ساخت که تنها زبانی که نظام بین‌الملل می‌فهمد، زبان قدرت است.

وی تأکید کرد: امروز جهان از ملت، رهبر و نیروهای مسلحی که در مقابل دو قدرت اتمی زیاده‌خواه با اقتدار ایستادند و ناامیدشان کردند، تجلیل می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد، خاطرنشان کرد: پیروزی ملت بزرگ ایران برای همه آزادگان جهان الهام‌بخش و امیدآفرین بود.

امام جمعه موقت تهران عنوان کرد: یافته‌ها نشان می‌دهد فضای رسانه‌های اجتماعی عرب‌زبان شاهد همبستگی با ایران است و بسیاری از کاربران تجاوز رژیم صهیونیستی بر علیه ملت ایران را تجاوز به امت اسلام می‌دانند.

وی گفت: بر اساس تحلیل وال‌استریت ژورنال، در طول جنگ ۱۲ روزه هزینه شلیک موشک‌ها، عملیات هوایی، فعال‌سازی سامانه‌های پدافندی و لجستیک رژیم صهیونیستی معادل ۱۵ تا ۱۸ میلیارد دلار هزینه بر این رژیم را تحمیل کرده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی‌فرد، بیان داشت: به نظر می‌رسد که سه عامل در خلق این قدرت نقش مؤثری داشته است که یکم، همبستگی ملی و انسجام اجتماعی است، دوم انسجام و هماهنگی کامل قوای سه‌گانه تحت هدایت و راهبری رهبر معظم و حکیم انقلاب اسلامی است و سوم قدرت فرماندهی و مدی